

علامه طباطبائی (د) و فلسفه علوم انسانی روایتی از یک «مواجهه - چالش»

سید محمود نجاتی حسینی *

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران

تاریخ دریافت (۱۳۹۸/۰۹/۱۲) تاریخ پذیرش (۱۳۹۸/۱۰/۱۱)

(تاریخ دریافت میلادی ۲۰۱۹/۱۲/۰۳) (تاریخ پذیرش میلادی ۲۰۲۰/۰۱/۰۱)

چکیده

در تاریخ اندیشه، به‌عنوان دانشی تخصصی که با مطالعه تاریخی تبارشناختی تکوین اندیشه‌ها سروکار دارد، نقطه عزیمت علم انسانی مدرن است و سپس «روشنگری» اوج علم انسانی - اجتماعی مدرن تلقی شده و در نهایت، «جامعه‌شناسی»، «ملکه علوم اجتماعی»، به قول اگوست کنت، به‌عنوان میراث‌دار همه آنچه علم اجتماع می‌نامیم و می‌دانیم، تثبیت شده است. از این حیث، آنچه که امروزه به‌عنوان میراث نیم هزاره‌ای از خانواده بزرگ معرفتی فکری علوم انسانی - اجتماعی مدرن در جامعه‌شناسی می‌بینیم، محصول طبیعی یک تاریخ غربی مدرن از اندیشه‌ورزی فلسفی، فرهنگی و اجتماعی کاملاً منسجم و منطقی و متدیك و تئوریک است. چیزی که در جهان‌های غیر غربی، به‌ویژه جهان رقیب غرب، جهان اسلام، به‌عنوان یک «سنت معرفتی عقیدتی» پریشینه، با قدمتی یک و نیم هزاره‌ای شکل تاریخی متمایز و شکل بندی اجتماعی فرهنگی متفاوت به خود دیده و گرفته است. از منظر فلسفه علوم انسانی مواجهه علامه طباطبائی است در این موضع محل تأمل است. مقاله حاضر نیز روایت این مواجهه است. داستان علامه طباطبائی نیز، به‌عنوان سرحلقه آخرین فیلسوفان سنتی مسلمان در عصر شبه‌مدرن جهان اسلام و «خرده‌جهان شیعی» - یعنی جهان یک اقلیت فرهنگی مذهبی پرشور از معارف مذهبی، کلامی، فلسفی و دانشی است که از توابع جهان اسلامی کلان است - و نیز از منظر متنی، در قالب همین مسئله جامعه‌شناختی و از منظر زمینه‌ای، در بطن همین بافتار تاریخی سنتی دینی، قابل‌روایت است. این مقاله، داستان مواجهه و چالش نماینده

*Email: nejati.hosseini@gmail.com

سنتی فلسفه اسلامی و دانش‌های اسلامی و معارف شیعی با فلسفه علمی و علم انسانی مدرن است. و هم‌چنین روایتی است از امکان و ظرفیت‌های بالقوه یک فلسفه سنتی برای شکل دادن به یک شبه‌فلسفه علم انسانی از نوع مقدماتی آن از سوی علامه طباطبائی.

واژگان کلیدی: علامه طباطبائی، شبه‌فلسفه علم انسانی، معارف شیعی.

۱. مسئله بحث

در تاریخ اندیشه، «رنسانس» [سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی] به‌عنوان دانش تخصصی که با مطالعه تاریخی تبارشناختی تکوین اندیشه‌ها سروکار دارد،^۱ نقطه‌عزیمت علم انسانی مدرن است و سپس «روشنگری» [سده‌های ۱۷ و ۱۸] اوج علم انسانی اجتماعی مدرن [تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، سیاست، حقوق، انسان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جمعیت‌شناسی] تلقی شده و درنهایت، «جامعه‌شناسی»، ملکه علوم اجتماعی که به قول اگوست کنت، میراث‌دار همه آنچه علم اجتماع می‌نامیم و می‌دانیم تثبیت شده است.^۲

علم انسانی مدرن، آن‌گونه که فلسفه علم و فلسفه علوم انسانی راوی آن است،^۳ یا به قول ویکو، فرهیخته رنسانسی،^۴ نووم ساینزیا (NOVUM SCIENZIA)^۵ به دنبال کشف و شناخت نسبت انسان مدرن و جهان مدرن و فرهنگ مدرن و تاریخ مدرن و جامعه مدرن بود.^۶ پر واضح بود که دیگر وقت رفتن سنت و سنت‌گرایی یا امر پیشامدرن فرارسیده بود و این شامل همه متعلقات و ضمایم امر سنتی از دانش‌های انسانی سنتی گرفته تا فلسفه و ال‌هایت مسیحی و کلام کلیسایی می‌شد.

در چنین کارزار فرهنگی این علم انسانی اجتماعی مدرن خصوصاً «جامعه‌شناسی»، به‌عنوان نقطه ارشمیدسی این علوم بود که بار تمام مسئولیت‌های گذردادن دانش‌های انسانی سنتی به‌سمت علوم انسانی اجتماعی مدرن را متقبل شده بود.^۷ در این میان، فیلسوفان شناخت و فیلسوفان سیاست، حقوق، اخلاق و نیز فیلسوفان اجتماعی بودند که پیش و بیش از دانشمندان بعدی علوم اجتماعی وظیفه مدیریت این پروژه را برعهده داشتند^۸ و درحقیقت، اینان بودند که با شم فلسفی و دانش انسانی جامع و ناب خود توانستند راه را برای پدران بنیان‌گذار علوم اجتماعی و درنهایت، ملکه این علوم یعنی جامعه‌شناسی باز کنند.^۹

بنابراین آنچه که امروز به‌عنوان میراث نیم‌هزاره‌ای از خانواده بزرگ معرفتی فکری علوم انسانی اجتماعی مدرن در جامعه‌شناسی می‌بینیم، محصول طبیعی یک تاریخ غربی مدرن از اندیشه‌ورزی فلسفی و فرهنگی اجتماعی کاملاً منسجم و

منطقی و متدیك و تئوریک است. چیزی که در جهان‌های غیر غربی خصوصاً جهان رقیب غرب، جهان اسلام، به‌عنوان یک "سنت معرفتی عقیدتی" پریشینه با قدمت یک ونیم هزاره‌ای شکل تاریخی متمایز و شکل‌بندی اجتماعی فرهنگی متفاوت به خود دیده و گرفته‌است.^{۱۰}

داستان علامه طباطبائی نیز، به‌عنوان سرحلقه آخرین فیلسوفان سنتی مسلمان در عصر شبه‌مدرن جهان اسلام و "خرده‌جهان شیعی"، جهان یک اقلیت فرهنگی مذهبی پرشور از معارف مذهبی کلامی فلسفی دانشی که از توابع جهان اسلامی کلان است، نیز از منظر متنی در فرمت همین مسئله جامعه‌شناختی و از منظر زمینه ای در بطن همین بافتار تاریخی سنتی دینی قابل روایت است.^{۱۱}

۲. ایده بحث

اما از این روست که این مسئله در این نوشتار مختصر ذیل عنوان یک مواجهه-چالش دانش سنتی با علم مدرن برشمرده شد تا از مناقشات و مناظرات و کاستی‌های آن دو نوع ارزیابی‌گرایی و سنجش‌گری موجود رواداشته‌شده درباره علامه طباطبائی- اعم از تحلیل اعتقادی انتقادی- دوری شود؛ لذا می‌توان گفت روایت‌گری، تا محتوا و هدف این نوشتار مقدماتی و موجز و مجمل ارزیابی و سنجش تصور نشود، بیش‌تر به این خاطر که نگاه‌های دیگران که آن‌ها را به‌عمد در این نوشتار به‌طرزی «پدیدارشناختی و فنومنولوژیک» به حالت «تعلیق» در آورده‌ام؛ یعنی از ذکرشان صرف‌نظر نموده‌ام تا بتوانم «روایت دست اول» خود را از «داستان علامه طباطبائی»- آن‌گونه که از مسئله فهم نموده‌ام- عرضه کنم،^{۱۲} به این مسئله در مورد نمونه معرفت‌مورد روایت ما، علامه طباطبائی و فلسفه دانش سنتی اسلامی که وی آن را نمایندگی می‌کرد، یا مواجهه فرض شده‌است. لذا از آن تحلیل اعتقادی به عمل آمده و یا چالش تلقی شده است و به‌تبع، با تحلیل انتقادی روبه‌رو شده است و نیز باید حتماً عنوان کرد که این نوع روایت‌گری نمی‌تواند بی‌اعتنا به روش هرمنوتیک، یعنی معناکاوی قصد مؤلف [علامه طباطبائی]، محقق شود.^{۱۳}

پس ایدة الحاقی نوشتار ما این است که - همان گونه که پیش تر اشاره شد، برای روایت گری داستان علامه طباطبائی، این بزرگ فیلسوف سنتی شیعی،^{۱۴} در نسبت با دانش اسلامی، فلسفه و معارف دینی سنتی و علم انسانی، یا به عبارتی بهتر، فلسفه علوم انسانی مدرن، بهترین روش این است که از دو موضع، روایتی معناساختی از این دو مقوله مهم به دست دهیم:

(۱) مواجهه معرفتی علامه طباطبائی با فلسفه علوم انسانی مدرن؛

(۲) هم زمان چالش عقیدتی با آن.

در ادامه، ناگزیر و مختصر، در حد فراهم سازی مقدمات برای بحث های مفصل بعدی - که موضوع نوشتارشان مستقل است - و نیز در حد گذاردن کدهای مطالعه این نوع روایت گری معناساختی از مسئله مورد نظر تلاش شد داده هایی مرتبط با مسئله و ایدة نوشتار، آن هم صرفاً با خوانش و استنباط از مندرجات مبنایی ترین متن فلسفی و علوم انسانی علامه طباطبائی، یعنی «اصول فلسفه رئالیسم»،^{۱۵} علاوه بر دیگر متون فلسفی مهم علامه طباطبائی، «بداية الحکمه»، «نهایة الحکمه» و تعلیقات بر «الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة» و نیز تفسیر گران سنگ از قرآن به نام «المیزان» ارائه شود؛ که به قول یک پژوهشگر ایرانی فلسفه علوم انسانی معاصر بیشتر یک متن نزدیک به رهیافت جامعه شناسی مدرن است تا فلسفه سنتی^{۱۶}.

و اما تذکر مهم این که، همان گونه که گفته شد، در جهت رعایت قواعد فنومنولوژیک این نوشتار که به معنای به تعلیق در آوردن پیش فرض ها و فرض ها و نظریه های موجود و برداشت ها و تعابیر دیگران درباره پدیده مورد بررسی پدیدارشناختی به جهت رسیدن به فهمی ناب و اصیل از ذات و ماهیت آن پدیده است، پُر پیداست که نوشتارهای دیگران، با وجود اهمیت آن ها در علامه طباطبائی پژوهی و نیز ثبت آن ها در آرشیو مرور ادبیات این مسئله، در این باره مبنای نوشتار حاضر نبوده و مرور نیز نخواهند شد.^{۱۷}

۳. داده‌های بحث

۳-۱. مواجهه

اصول فلسفه رئالیسم علامه طباطبائی^{۱۸} خود از حیث متن شناختی حاوی خط‌سیرهایی نو و بدیع است - البته در مقیاس و تراز فلسفه‌ورزی علوم انسانی در جهان اسلام، به‌ویژه در زیست‌جهان مدرسی‌گری حوزه‌های علمیه شیعی که با این شناخت دانش‌های فلسفی نو، مأنوس و آشنا نبوده‌اند. همچنین از سوی یک «فیلسوف، معلم و مؤلف ستی» برای یک مواجهه منطقی و متناسب با «علوم انسانی مدرن» آن هم از زاویه دید «فلسفه‌شناخت». آنچه که ماحصل آن «فلسفه علوم انسانی» است.

از این منظر که بسی برای مسئله‌کاوی ما سودمند و کاربردی است، کاویدن ساختار متن و مقالات چهارده‌گانه و نیز منطق روشی این کتاب راهگشای فهم نحوه مواجهه فلسفی علامه طباطبائی با علوم انسانی مدرن است. برای شروع بحث کافی است به ساختار متن، یعنی عنوان‌های مقالات آن، نگاه کنیم، چون عنوان‌های هر متن مبین‌سوگیرهای متنی و قصد مؤلف برای بیان ایده‌ها و مفاهیم و خط‌سیر منطقی پیشبرد بحث‌ها هستند؛ اما عناوین مقالات متن به ترتیب ارائه به این شرح‌اند:

الف. مقالات اول تا پنجم که بیان‌کننده مبانی هستی‌شناختی و شناخت‌شناسی‌اند و شامل «فلسفه چیست، رئالیزم و ایدئالیزم، علم و ادراک، ارزش‌معلومات، پیدایش کثرت و ادراکات»؛

ب. مقاله ششم، «اعتباریات»، که قلب متن و مبنای‌ترین بخش بحث از فلسفه علوم انسانی است.

ج. مقالات هفتم تا سیزدهم که ادامه امّهات بحث از مبانی هستی‌شناختی، علت‌شناختی پدیده‌ها، مکانیزم طبیعت، تکوین آثار طبیعی بشری و جهان‌شناسی طبیعی شبه‌مدرن و کیهان‌شناسی فلسفی پیشامدرن‌اند، شامل «واقعیت و هستی‌اشیا، ضرورت و امکان، علت و معلول، قوه و فعل، قدم و حدوث، وحدت و کثرت، ماهیت جوهر و عرض»؛

د. و در نهایت، مقاله «خدای جهان و جهان» که بسط الاهیات توحیدی اسلامی و پیوند آن به فلسفه اسلامی است. احتمالاً جهت یادآوری این نکته مهم که فلسفه اسلامی بدون پیوند با الاهیات توحیدی اسلامی و ریشه‌های حکمت قرآنی کامل نخواهد بود.

اما منطق روشی مواجهه علامه طباطبائی در متن اصول فلسفه رئالیسم نیز از حیث پداگوژی آموزش فلسفی، یعنی اسلوب تعلیم و تربیت الگومند و سبک مند علمی فلسفی آموختنی است؛ در این جا، همان گونه که خواهیم دید، منطق علامه طباطبائی برای پیش‌برد مباحث فلسفه علوم انسانی ناخودآگاه ذهن را به سمت «لوگوی سقراطی»، منطق استدلال فلسفی و سبک بحث و رویه دیالوگ سازی سقراط، بزرگ‌فلسوف مردمی حوزه عمومی، با آنتی‌ها در دولت‌شهر که با طرح مسئله و پرسش و پاسخ و نقد پاسخ‌ها و سنتز ناتمام بحث همراه بود،^{۱۹} و تا اندازه‌ای «منطق گفت‌وگوی هابرماسی»،^{۲۰} یعنی سبک نوشتاری گفتاری مباحثه‌ای که هابرماس، فیلسوف جامعه‌شناس گفت‌وگویی برجسته معاصر، در پیش گرفته است، می‌برد.

اما پیرنگ منطق علامه طباطبائی برای مواجهه متناسب و درخور شأن فلسفه علوم انسانی که در تک‌تک مقالات چهارده گانه «اصول فلسفه رئالیسم» کم‌وبیش به کار گرفته شده، به این قرار است:

الف. ابتدا «مقدمه‌ای» طرح می‌شود.

ب. سپس «مسئله» بحث ایضاح می‌شود.

ج. پس از آن، «پرسش»هایی حول مسئله بحث طرح می‌گردد.

د. آن‌گاه «اشکالات» مترتب بر مسئله و پرسش طرح می‌شوند، آن‌گونه که ممکن است به ذهن منتقدان و مخالفان بحث برسد؛ که عمدتاً از منظر گفتمان فلسفی متافیزیستی شخص علامه اگر بنگریم که مطمح‌نظر خود علامه طباطبائی نیز هست و نیز وفق تعهد «قصد مؤلف» که علامه طباطبائی آن را به دوش می‌کشد، همانا

ایدئالیست‌ها و ماتریالیست‌ها و دیالکتیسیست‌های کمونیست حزبی هستند که از بیخ‌وبن با گفتمان فلسفی رئالیسم علامه بر سر مهر نیستند. هـ. باز این اشکالات «وارسی و نقد وارزیابی» می‌شوند. و. سپس چند «نکته یا تذکر» درخصوص اشکالات احتمالی وارده مخالفان و منتقدان و معاندان این بحث‌های رئالیستی و پاسخ آن‌ها گفته می‌شود. ز. پس از آن، با تلاش‌های نهایی علامه طباطبائی، «پاسخ‌های درست» مفصل‌بندی می‌شوند. ح. و درنهایت، نیز با «ترهای فلسفی» علامه طباطبائی که خلاصه بحث‌اند و به قول متن، داده‌های تثبیت‌شده حاصل از بحث‌اند، خاتمه بحث اعلام می‌شود تا بتوان بحث دیگری را شروع کرد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود با توجه به خط‌سیر بحث‌های فلسفی علامه طباطبائی در «اصول فلسفه رئالیسم» که در این‌جا منطق روشی و فرایندی آن، یعنی مرحله‌ای بودن» مواجهه‌دادن مخاطبان متن که درحقیقت با توجه به تبارشناسی شکل‌گیری متن در حوزه علمیه قم در دهه ۱۳۳۰ شمسی به‌عنوان یک «درس گفتارنامه فلسفه» عمدتاً «طلّاب دین حوزه علمیه» بوده‌اند، با یک فلسفه علوم انسانی رئالیستی است؛ البته در سنت فلسفه مدرن اسلامی، البته با فرض این که به کاربردن چنین عنوانی برای فلسفه‌ورزی رئالیستی علامه طباطبائی روا و جایز باشد که علامه طباطبائی کاراکتر آوانگارد آن است.

۳-۱-۱. مواجهه با فلسفه علم

وفق این فلسفه‌ورزی ابتدا باید به ترهای فلسفه علمی و علم‌شناسی فلسفی علامه طباطبائی به‌صورت عام آن اشاره‌ای مختصر کرد که راه را برای گام بعدی مؤلف به‌سمت صورت‌بندی ترهای فلسفه علوم انسانی هموار می‌کند. ابتدا باید به چند مفروض بنیانی در فلسفه‌شناسی علامه طباطبائی اشاره نمود که مبادی علم‌شناسی فلسفی ایشان است، از جمله این مفروضات قابل توجه‌اند:

الف. فلسفه، بحث برهانی درباره حقیقت و واقعیت و علل تکوین امور و چیزهاست؛ جهان را باید به موجودات حقیقی و واقعی و اعتباری و پنداری تقسیم نمود؛ فلسفه را نیز باید به فلسفه رئالیزم، متافیزیسیم، ایدئالیزم و ماتریالیزم تقسیم نمود (اصول فلسفه رئالیسم، مقاله اول).

ب. علم نیز باید به علم حصولی و حضوری، تصویری و تصدیقی و جزئی و کلی تقسیم شود؛ علم حضوری برای مردمان نامتخصص است و علم حصولی از آن متخصصان است (همان، مقاله‌های سوم و پنجم).

اما نمونه‌ای از اهمّ تره‌های فلسفه علمی علامه طباطبائی را، به‌عنوان یک فیلسوف سنتی در جهان اسلام، که به‌نوعی، شبیه تره‌های مبنایی متعارف در فلسفه علم مدرن است، می‌توان به صورت زیر مرتب نمود:

ج. فلسفه رئالیزم معتقد به وجود واقعیت و جهانی خارج از ذهن ماست (همان، مقاله دوم: ۳۸).

د. حواس ما نقش مهمی در ادراک جهان خارج دارند (همان، مقاله سوم: ۴۹ و ۵۱).

ه. حواس ما در عین حال هم منبع شناخت‌اند و هم خطا (همان).

و. خطاهای ذهنی و شناختی ما نسبی‌اند و نه مطلق، همان‌طور که عدم خطا نیز نسبی است؛ لذا خطای مطلق و صواب مطلق منتفی است (همان).

علامه طباطبائی همچنین از منظر علم‌شناسی فلسفی به پیوند علم و فلسفه و یک اصل مهم اشاره می‌کند تا بتواند ضرورت بهره‌مندی متعامل این دو را به‌خوبی و به طرز مستدل تثبیت کند:

الف. کاوش‌های علوم متوقف به فلسفه است و برعکس.

ب. استوارشدن کاوش‌های علوم به فلسفه نیازمند است.

ج. فلسفه نیز از دل علوم مسئله‌های خود را استنباط و استخراج و انتزاع می‌کند (همان، مقاله اول: ۲۸).

براین مبنا، علامه طباطبایی چند قضیه استراتژیک با رنگ و بوی فلسفه علم را طرح می‌کند که هرچند البته از دیرباز و پیش از زمان علامه نیز جزء الفبای علم شناسی فلسفی بوده است و تازگی ندارد، اما برای ذهن سنتی حوزه‌های علمیّه دینی آن زمان و این زمان هم‌چنان نو است؛ به‌ویژه این که بیان آن‌ها از ذهن و زبان یک فیلسوف سنتی، که محصول تربیت دانشگاه‌های مدرن و پیشرفته غربی نیست، ولی فرزند یک حوزه علمیّه دینی سنتی ناآشنا و نامأنوس با فلسفه و علم مدرن است، بسی پرحلاوت، ابداعی، ابتکاری و انقلابی است، به‌ویژه این که شارحان فلسفه سنتی - اسلامی حوزوی نیز، نه پیش و نه پس از او، به چنین رویکردی در علم‌شناسی فلسفی دست نیافتند.^{۲۱} این درحالی است که طی پنج سده گذشته میلادی تاکنون «فلاسفه شناخت» در غرب به کرات بر این بنیان‌های علم‌شناسی فلسفی مدرن متمرکز بوده‌اند.^{۲۲}

هرچند برخی از پژوهشگران فلسفه و دانش اسلامی تلاش نموده‌اند ضمن ابتنا به مبانی معرفت‌شناسی در کتاب مقدس قرآن^{۲۳} و هم‌چنین کاوش‌های فلسفی مسلمین^{۲۴} شناخت‌شناسی‌های اندیشمندان مسلمان کلاسیک^{۲۵} و معاصر^{۲۶} را بازخوانی کنند؛ و منطق شناخت‌شناسی خاص اندیشمندان مسلمان، در مقایسه با منطق هم‌تایان غربی مسیحی آن‌ها را تثبیت کنند، اما با این وجود، همان‌گونه که خواهیم دید، هم‌چنان این مواضع روش‌شناختی و شناخت‌شناسی اندیشمندان مسلمان کلاسیک و مدرن متفاوت از مواجهه‌ای است که علامه طباطبایی با ماهیت فلسفه علم‌شناسی فلسفی داشته‌است.

اما این قضایای علم‌شناسی فلسفی مطرح‌شده از سوی علامه طباطبایی که هنوز هم جزء نقاط ارشمیدسی مبحث فلسفه علم مدرن‌اند، صرفاً درباره روش‌های استدلال و پژوهش «استقرایی و قیاسی» و نیز «فرضیه» است و نه ایده‌های نوتر در این باره. به‌عنوان نمونه، علامه طباطبایی متأسفانه درباره «روش فرضی استنتاجی»، که تلفیق این دو است،^{۲۷} و نیز «منطق استدلال به قصد بهترین تبیین»^{۲۸} چیزی نمی‌دانسته‌است.

۳-۱-۱. بقای علم به فرضیه‌هاست.

الف. فرض فرضیه در علم برای استنتاج علمی و داناشدن به مسائل و نظریه‌ها نیست و برای تبدیل شدن مجهول به معلوم هم نیست، بلکه برای تشخیص خط‌سیر سلوک علمی و گم‌نشدن در راه است؛ چون استنتاج مسائل رهین برای این مسئله و تجربه و سایر علل تولید نظریه است؛ فرضیه‌ها مانند «پرگار» اند جهت ترسیم خط‌سیرهای درست ترسیم دایره (همان، مقاله پنجم: ۱۰۰).

ب. فرضیه‌ها نیز دو گونه‌اند:

* «فرضیه‌هایی که پیدایش تازه، آن‌ها را کهنه و باطل و تکذیب نمی‌کند؛ بل فرضیهٔ پسین یک منظره را نشان می‌دهد که پهناورتر از منظره‌ای است که فرضیهٔ کهنه نشان می‌دهد ... و نیز فرضیه‌هایی که با روی کارآمدن متأخر، متقدم راه نابودی سپرده و باطل می‌شود، مانند فرضیهٔ حرکت افلاک و ...» (همان: ۱۰۱).

* «میان قضیه و مفهوم نیز یک رفت و برگشت «استقرایی و قیاسی» موجود است؛ «یعنی قوهٔ مدرکه می‌تواند از قضیه سیر نموده به مفهوم برسد و به‌طور قهقری از مفرد به قضیه منتهی شود» (همان: ۸۹).

اکنون باید ببینیم با ابتنا به این تره‌های فلسفهٔ علمی و علم‌شناسی فلسفی که از متن اصول فلسفهٔ رئالیسم علامه طباطبائی خوانش شد، چه بهره‌ای نصیب فلسفهٔ علم انسانی شده است. در چند نکتهٔ زیر برآنیم صرفاً کلیت شکلی مواجههٔ علامه طباطبائی با این نوع فلسفه در حد اشاره روایت شود.

۳-۱-۲. مواجهه با فلسفهٔ علوم انسانی

در این خصوص، می‌توان چند نکتهٔ مهم از آرای علامه طباطبائی را خوانش کرد:

الف. علم انسانی متفاوت است از علم طبیعی، به این جهت که علم دوم «فقط می‌تواند خط‌سیر ماده را تشخیص دهد» (اصول فلسفهٔ رئالیسم، مقالهٔ پنجم: ۱۰۰).

ب. علم انسان به تجربه زیسته مدرک و عالم وابسته است، چون «آنچه که انسان می‌داند با علم حضوری، حضور مهیت معلوم نزد عالم، حاصل می‌گردد و آنچه که دانشمندان [بخوانید: در علم طبیعی] با تلاش علمی به دست می‌آورند از راه علم حصولی، وجود ذهنی معلوم نزد عالم، حاصل می‌گردد» (همان: ۸۲).

ج. علم انسانی محتاج تعریف و تحدید پدیده و مفهوم است، برخلاف علم حسی و تجربی که در آن «دانشمند حسی بیش‌تر به آزمایش حسی می‌پردازد و چون با محسوس و مشاهده سروکار دارد. لذا نیاز زیادی به تعریف پیدا نمی‌کند، مانند زندگی روزانه ما در استفاده از مادیات که از همان راه حسی تأمین می‌گردد... اما کنجکاوی های ریاضیاتی حقوقی و نیز در فلسفه و منطق چون با آزمایش و مشاهده سروکار ندارد، لذا تا موضوعات را تحدید و تعریف نکند، گرفتار غلط و اشتباه خواهد بود، مانند خطاهای ماده‌گرایان که اینجا فقط به حس و مشاهده اکتفا می‌کنند...» (همان: ۹۷).

د. یافته‌های علم انسانی که موضوع آن‌ها اجتماع است تابع محیط واقعی‌اند و از آن تأثیر می‌پذیرند، به این صورت که «برخی از افکار و معلومات و ادراکات که مطابق خارجی آن‌ها اجزای اجتماعی است که خودمان به وجود می‌آوریم تابع تغییرات اجتماعی هستند...» (همان: ۱۱۰).

ه. اما یافته‌های علم انسانی که موضوع آن‌ها اجتماع نیست، تابع محیط واقعی هم نیستند و از آن تأثیر نمی‌پذیرند: «... ادراکاتی که مطابق آن‌ها خارج از ظرف اجتماع است و بودونبود ما در آن‌ها مؤثر نیست به اختلاف محیط زندگی و تربیت و تلقین اختلاف پیدا نمی‌کنند» (همان‌جا).

با این مبانی، کلیت نظریه شایع و معروف علامه طباطبائی، در مقاله ششم - اصول فلسفه رئالیسم، یعنی نظریه اعتباریات و به تبع آن، علوم انسانی اعتباری شکل می‌گیرد که بر آن است نشان دهد انسان دارای احساسات و ادراک و عواطفی است که برای رفع نیازهایش از آن‌ها برای ساختن واقعیت‌ها و حقایق خاص احساساتش سود می‌جوید و این‌ها اعتباری‌اند و ساخته ذهن ما. به این معنا که ما از طریق آن‌ها

بایدها و نبایدهای زندگی‌مان را معین می‌کنیم و این‌ها نمی‌توانند حقیقی باشند؛ اما برای زندگی پیشاجتماعی و اعتباریات ملازم آن: وجوب، حسن و قبح امور، انتخاب اخف و اسهل یا سبک‌تر و آسان‌تر، استخدام و اجتماع، متابعت علم، و زندگی پساجتماعی و اعتباریات ملازم آن: اصل مالکیت، اصل سخن گفتن، اصل ریاست و مرئوسیت، اصل زبان‌شناسی مؤثرند و مهم.

از آن‌جا که به قدر کافی محتوای این مقاله توسط دانش‌پژوهان بومی بحث شده و شناخته شده است، لذا در این‌جا چون مطلب نویی به آن ادبیات نمی‌توان افزود، منطقاً نیازی هم به بحث از آن‌ها نیست. فقط باید به سه موضوع مهم در این‌جا اشاره نمود که برای فهم کامل‌تر فلسفه علوم انسانی از منظر علامه طباطبائی حائز اهمیت‌اند (مقاله ششم: ۱۴۲):

و. علوم انسانی اعتباری‌اند، از آن‌حیث‌که مایه تکمیل کردارهای انسان و نیز رابط میان انسان و اعمال و افعال او هستند. لذا با علوم حقیقی متفاوت‌اند.
 ز. هر امری در اجتماع و زندگی انسان که بتوان بر آن یا به آن ضابطه «باید» را منتسب نمود، امری اعتباری و موضوع علوم انسانی اعتباری است.
 ح. اعتباریات پیشاجتماعی تابعی هستند از مقتضیات محیط فکری طبیعی جغرافیایی و فرهنگی و خلق‌وخوی و پیشه‌آدمیان و نیز مشرب‌ها و مذاهب و اعتقادات آنان.

۲-۳. چالش

هر مواجهه‌ای با چالش‌هایی خاص همراه است، به‌ویژه زمانی که این مواجهه از سنخ بینافرهنگی باشد، آن هم از نوع مواجهه امر سنتی با امر مدرن. از این‌حیث، مواجهه علامه طباطبائی با علم‌شناسی فلسفی زمانه و زمینه دیگری [غرب مسیحی] که از نظر فرهنگ، مذهبی، فلسفی و کلامی با زمینه و زمانه خودی [شرق اسلامی] بسی متفاوت است، اگر نگوییم تا اندازه‌ای متضاد، نیز خالی از چالش نیست. دست‌کم خوانشی که از اصول فلسفه رئالیسم می‌توان داشت نشان از وجود چند چالش علمی، فلسفی و

الهیاتی می‌دهد که ماحصل مواجهه علامه طباطبائی با علم‌شناسی فلسفی غرب است. این‌ها اکنون در حد اشاره طرح می‌شوند به این امید که سرانجام بتوان، در پژوهشی مستقل و از سر فرصت، به نقد و واریسی آن‌ها پرداخت.

الف. چالش فطرت‌گرایی علامه طباطبائی با طبیعت‌گرایی فلسفه غربی؛

ب. چالش فلسفه‌گرایی الهیاتی علامه طباطبائی با فلسفه‌گرایی علمی غربی؛

ج. چالش اعتبار‌گرایی تئوریک علامه طباطبائی با اعتبار‌گرایی آمپیریک غربی.

نتیجه

همان‌طور که گفته شد، مسئله این نوشتار در کلیت خود، هرچند سوژه موردی مطالعه آن، «علامه طباطبائی» بود، مسئله‌ای است تمدنی، که گریبان‌گیر هر پژوهنده «تاریخ و فلسفه علوم انسانی اجتماعی» مدرن است، به‌ویژه برای پژوهنده غیر غربی از نوع جهان اسلامی آن که با میراثی تاریخی- فرهنگی از دانش‌های انسانی اسلامی سنتی، از فلسفه و کلام تا تاریخ و ادبیات و فقه و عرفان، مواجه است. مسئله معرفتی عقیدتی این سنخ پژوهندگان تاریخ و فلسفه علوم انسانی اجتماعی این است که آنان نمی‌توانند هم‌حسّ نوستالژیکشان به این میراث تاریخی- فرهنگی عقیدتی‌شان را رها کنند؛ و هم نمی‌توانند آن را در مصاف رقابتی با علوم انسانی اجتماعی مدرن- چشم‌بسته و بدون ارزیابی انتقادی و بدون پیرایشگری‌های اصلاحی لازم- جهت انتقال این دانش‌های سنتی به دوران مدرن و انطباق آن‌ها با فلسفه و علوم انسانی اجتماعی مدرن بپذیرند.

از این منظر، تلاش درخور تحسین علامه طباطبائی هم در سویه مواجهه و هم چالش قابل‌سنجش و ارزیابی است. دست‌کم علامه طباطبائی در اصول فلسفه رئالیزم داستان مواجهه و چالش نماینده سنتی فلسفه اسلامی و دانش‌های اسلامی و معارف شیعی با فلسفه علمی و علم انسانی مدرن را شکل می‌دهد و هم‌چنین فرصت و موقعیتی فراهم می‌کند تا بتوان روایتی از امکان و ظرفیت‌های بالقوه

یک فلسفه سنتی برای شکل دادن به یک شبه‌فلسفه علم انسانی از نوع مقدماتی آن از سوی علامه طباطبائی به دست داد.

این غنیمت تئوریک ارزنده‌ای است برای میراث فلسفه و علوم انسانی در ایران اسلامی، به‌خصوص از این حیث که نه فلسفه اسلامی سنتی حوزوی یا فلسفه اسلامی شبه‌مدرن دانشگاهی معاصر و کنونی، چندان که شایسته و بایسته بوده، نتوانسته‌اند با وجود حجم ادبیات ترجمه‌شده در فلسفه علم و فلسفه علوم انسانی، میراث به‌جا مانده در زمینه شبه‌فلسفه علم انسانی ایجادشده از سوی علامه طباطبائی را گامی فراتر ببرند. البته و متأسفانه در مابقی جهان اسلام نیز این وضع چندان بهتر از ایران نیست.

به‌نظر می‌رسد برای بهبود این وضعیت فلسفی و توسعه موقعیت فلسفه علوم انسانی اجتماعی در محافل حوزوی و دانشگاهی ایران کنونی و حتی جهان اسلام، شایسته است میراث‌های فرهنگی مرتبط از نوع شبه‌فلسفه علم انسانی علامه طباطبائی به‌عنوان سرآغازهایی برای ترسیم خط‌سیرهایی جهت توسعه فلسفه علوم انسانی-اجتماعی مدرن در ایران و جهان اسلام مبنا قرار گیرد. همچنین تلاش شود تا با سنجش و ارزیابی و تحلیل انتقادی [و نه تحلیل اعتقادی-که آفت هرگونه علم‌ورزی و دین‌ورزی در تمدن ایرانی-اسلامی بوده و هست و خواهد بود] این میراث‌های فلسفی، معرفتی، علمی و عقیدتی نسخه‌های جدیدتر، روزآمدتر و کارآمدتر از آن برای رقابت معرفتی استاندارد در جهان فلسفه(های) علوم انسانی اجتماعی مدرن، پست‌مدرن، لیت‌مدرن (مدرن متأخر) و حتی نسخه فمینیستی از فلسفه علم فراهم شود.

پی‌نوشت

۱. برای نمونه‌ای از ادبیات «تاریخ اندیشه» ر. ک؛
* لوفان بومر، فرانکلین. (۱۳۹۷). *جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی*: گزیده آثار بزرگ در تاریخ اندیشه غربی از سده‌های میانه تا امروز. مترجم: حسین بشیریه. تهران: چاپخش.
- * Becker, Howard and Barrens, Harry Elmer - with the assistance of Emile Benoit-Smullyn and Others, in three volumes, with and introductory notes by Merel Curti (1938) *SOCIAL THOUGHT FROM LOR TO SCIENCE*: a history and interpretation of men's ideas about life with his fellows to times when change and progress deeply concern him, Dover Publication Inc. , New York. USA.
۲. برای نمونه‌ای از تاریخ‌نگاری فرهنگی «تأثیر روشن‌گری بر تکوین علم اجتماعی» ر. ک؛
* همیلتون، پیتر. (۱۳۸۶). *روشنگری و تکوین علم اجتماعی مدرن*. مترجم: محمد نبوی. تهران: آگه.
۳. در مورد «فلسفه‌های) علوم انسانی اجتماعی مدرن» و نیز «فلسفه‌های) علم» ر. ک؛
*Gerard Delanty & Piet Strydom (Eds) (2003). *philosophies of social science: the classical and contemporary reading* Open University press, USA .
*Jenifer Mc Erlean (2000). *philosophies of science: from foundations to contemporary issues*, Wadsworth, USA.
* Gordon, Scott (1995). *the history and philosophy of social science*, Routledge, UK .
۴. برای یک تفسیر جامعه‌شناختی درخشان از «تأثیر جیامباتیستا ویکوی فرهیخته ایتالیایی رنسانسی بر علم انسانی اجتماعی مدرن» ر. ک؛
* ورنر جی، کانمن. (۱۳۸۹) «هائز، تونیس، ویکو: سرچشمه‌های جامعه‌شناسی»؛ در: ایروینگ ام زیتلینگ و همکاران (۱۳۸۹) *آینده بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی*. غلام‌عباس توسلی و همکاران. تهران: قومس. صص ۵۰-۲۱.
۵. نگاه شود به رساله‌ارزنده زیر در «تاریخ اندیشه و فلسفه علوم انسانی مدرن»:
* فروند، ژولین. (۱۳۷۲). *نظریه‌های مربوط به علوم انسانی*. مترجم: محمدعلی کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۶. در مورد «تکوین تاریخی امر مدرن» ر. ک؛

- * چایلدز، پیترو. (۱۳۸۶) *مدرنیسم*. مترجم: رضا رضایی. تهران، ماهی.
۷. برای نمونه «تاریخ‌نگاری علوم اجتماعی مدرن» به صورت تحلیلی در آثار زیر قابل ملاحظه است:
- * ژیرو، کلود. (۱۳۸۴). *تاریخ جامعه‌شناسی*. گیتی خرسند. تهران: مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- * لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۹۴). *پدیده‌شناسی*. مترجم: عبدالکریم رشیدیان. تهران: نی.
- * لالمان، میشل. (۱۳۹۴). *تاریخ اندیشه‌های جامعه‌شناسی*: از پارسونز تا اندیشمندان معاصر. مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر. (ج ۱ و ۲). تهران: هرمس.
۸. داستان فیلسوفانی که «مدیریت پروژه گذردادن دانش‌های سنتی به علوم انسانی اجتماعی مدرن» را برعهده داشتند در این سه گانه ارزنده و جذاب از «تاریخ اندیشه در فلسفه و علوم انسانی» آمده است:
- * هیوز، هنری استوارت. (۱۳۸۶). *آگاهی و جامعه: جهت‌گیری نو در اندیشه اجتماعی اروپایی سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۰*. مترجم: عزت‌الله فولادوند. (ج ۱). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- * _____ (۱۳۸۶). *راه فروبسته: اندیشه اجتماعی در فرانسه در سال‌های درمادگی از ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰*. مترجم: عزت‌الله فولادوند. (ج ۲). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- * هیوز، هنری استوارت. (۱۳۸۶). *هجرت اندیشه اجتماعی: ۱۹۶۵ - ۱۹۳۰*. مترجم: عزت‌الله فولادوند. (ج ۳). تهران: طرح نو.
۹. برای شناخت «تأثیرپذیری دانشمندان علوم اجتماعی مدرن از فیلسوفان علوم انسانی مدرن» ر. ک؛
- * برونوفسکی، ج و مازلیش، بروس. (۱۳۹۳). *سنت روشن فکری در غرب: از لئوناردو تا هگل*. لیلا سازگار. تهران: آگاه.
- * کالنیکیوس، آلکس. (۱۳۸۳). *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی*. مترجم:

اکبر معصوم بیگی. تهران: آگه.

۱۰. بخشی از این روایت به صورت تاریخی آن در ادبیات «تاریخ آموزش و علم در تمدن اسلامی» آمده است، برای نمونه ر. ک؛

* نصر، سید حسین. (۱۳۹۱). **علم و تمدن در اسلام**. مترجم: احمد آرام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

* شلبی، احمد. (۱۳۸۷). **تاریخ آموزش در اسلام**. مترجم: محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.

* احمد، منیرالدین. (۱۳۸۴). **نهاد آموزش اسلامی**. محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.

* غنیمه، عبدالرحیم. (۱۳۸۸). **تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی**. مترجم: نورالله کسایی. تهران: دانشگاه تهران.

* چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۸). **آموزش عالی در گستره تاریخ و تمدن اسلامی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری).

۱۱. در مورد روش شناسی و ماهیت و اهمیت و تأثیر «روش» روایت در پژوهش‌های انسانی اجتماعی» ر. ک؛

* بژه، دیوید. ام. (۱۳۸۸). **تحلیل روایت و پی‌شاروایت: روش‌های روایی در تحقیقات اجتماعی**. مترجم: حسن محدثی گیلوایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

۱۲. در مورد نمونه‌هایی ارزنده از معرفی «روش پدیدارشناسی» ر. ک؛

* هوسرل، ادموند. (۱۳۸۶). **ایده پدیدارشناسی**. مترجم: عبدالکریم رشیدیان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

* هوسرل، ادموند. (۱۳۸۶). **تأملات دکارتی**. مترجم: عبدالکریم رشیدیان. تهران: نی.

* لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۹۴). **پدیدارشناسی**. مترجم: عبدالکریم رشیدیان، تهران: نی.

* ساکالوفسکی، رابرت. (۱۳۸۸). **درآمدی بر پدیدارشناسی**. مترجم: محمدرضا قربانی. تهران: گام نو.

- * پریموزیک، دنیل تامس. (۱۳۸۷). مرلوپونتی، فلسفه و معنا. مترجم: محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: مرکز.
۱۳. در مورد نمونه‌هایی ارزنده از معرفی «روش هرمنوتیک» ر. ک؛
- * پالم، ریچارد. ای. (۱۳۸۹). **علم هرمنوتیک**. مترجم: محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: هرمس.
- * کوزنزهوی، دیوید. (۱۳۸۵). **حلقه انتقادی-هرمنوتیک، تاریخ، ادبیات و فلسفه**. مترجم: مراد فرهادپور. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- * نیچه، فردریش و دیگران. (۱۳۷۷). **هرمنوتیک مدرن-گزینه جستارها**. مترجمان: بابک احمدی، مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: مرکز.
- * ژان گروندن (۱۳۹۵). **هرمنوتیک**، محمدرضا ابوالقاسمی، تهران، نشر ماهی.
۱۴. عبارتی که هانری کوربن اسلام‌پژوه فرانسوی معاصر، شارح فلسفه اسلامی و شیعی و فردی که از نزدیک با علامه معاشرت فلسفی داشته است، در مورد او به کار برده است ر. ک؛
- * هانری کوربن. تاریخ فلسفه اسلامی (متن کامل). مترجم: سید جواد طباطبائی. (تهران: کویر، ۱۳۸۷). بخش دوم (از ابن رشد تا زمان حاضر، فصل سوم (اندیشه شیعی). ص ۴۹۵.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۸۷). **اصول فلسفه رئالیسم**. به کوشش سیدهادی خسروشاهی. بوستان کتاب (کتاب‌های علامه طباطبائی / ۱۲).
۱۶. عبدالکریم سروش. درس‌هایی در فلسفه علم الاجتماع. (تهران: نی، ۱۳۷۹). صص ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۳۰، ۱۴۰.
۱۷. در مورد نمونه‌هایی از یک کتاب‌شناسی فشرده از «علامه طباطبائی پژوهی» که نسبتاً تا اندازه‌ای مرتبط با مسئله این نوشتار می‌توانند لحاظ شوند، ر. ک؛
- * میرنصیری، سید روح‌الله و ابوالفضل ساجدی (۱۳۹۶). «**اعتباریات و علوم انسانی از منظر علامه طباطبائی**». قبسات. سال ۲۲. صص ۲۸-۵.
- * کلاتری، عبدالحسین. (۱۳۸۶). **معنا و عقلانیت در آرای علامه طباطبائی و پیتر وینچ**. قم: کتاب طه.
- * نوروزی، رضا علی و منیره عابدی. (۱۳۹۱). **انواع علم از منظر علامه طباطبائی و**

- پیامدهای آن در قلمروی اهداف و محتوای برنامه‌های درسی.** دو فصلنامه تربیت اسلامی. سال ۷. شماره ۱۴. بهار و تابستان. صص ۱۸۸-۱۶۵.
- * علیزاده، بیوک. (۱۳۸۵). «**علامه طباطبائی فیلسوفی نوصدرایی**». فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع). شماره ۲۹. صص ۳۸-۲۳.
- * جعفری، فاطمه. (۱۳۹۴). «**تیر مبانی انسان‌شناسی اسلامی علامه طباطبائی و علامه مصباح بر علوم انسانی**». فصلنامه علمی- تخصصی فرهنگ و پژوهش. شماره ۲۰ و ۲۱. زمستان ۹۳ و بهار ۹۴. ویژه فلسفه و کلام. صص ۹۴-۷۵.
- * حسین‌نیا، محسن. (بی‌تا). جایگاه نظریه ادراکات اعتباری در علوم اسلامی با نگاه به آثار علامه طباطبائی. قابل دسترسی در سایت (www. tebyan. net).
- * حسینی، سیدحمیدرضا و هادی موسوی. (۱۳۹۵). «**نظریه اعتباریات به مثابه فرانظریه اجتماعی نزد علامه طباطبائی و محقق عراقی**». فصلنامه علمی- پژوهشی حکمت اسلامی. سال سوم. شماره دوم. صص ۱۳۵-۱۰۱.
- * کچویان، حسین و عبدالحسین کلانتری. (۱۳۹۰). «**علوم اجتماعی قاعده مدار است یا قانون مدار؟ بازخوانی آرای علامه سیدمحمدحسین طباطبائی**». دو فصلنامه علمی- پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان. سال ۱. شماره ۱، پاییز و زمستان، ۲۷-۱.
- * ترخان، قاسم. (۱۳۹۶). «**فطرت و فطریات از نگاه علامه طباطبائی و برآیند آن در علوم انسانی**». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. شماره پیاپی ۷۰. سال ۲۱. شماره ۱. بهار. صص ۱۰۴-۸۱.
- * رحیمی خوزوقی، احسان و مهدی سپهری. (۱۳۹۷). «**تیبین هستی و چیستی آنان از منظر اندیشه‌های علامه طباطبائی**». دو فصلنامه علمی- پژوهشی حکمت صدرایی. سال ۶. شماره ۲. بهار و تابستان. صص ۱۰۵-۸۷.
- * نیکویان، آرزو و همکاران. (۱۳۹۶). «**نظریه معنا، مطالعه تطبیقی پیرس و علامه طباطبائی**». دو فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی. سال ۹،

- شماره ۱۸. پاییز و زمستان. صص ۵۱-۲۹.
۱۸. در سرتاسر این نوشتار این ویراست از کتاب علامه طباطبائی (ره) مبنای ارجاع و بحث ما است:
- * طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۸۷). **اصول فلسفه رئالیسم**. به کوشش سید هادی خسروشاهی. بوستان کتاب (کتاب‌های علامه طباطبائی / ۱۲).
۱۹. در مورد «لوگوی سقراطی» ر. ک؛
- * سید محمود نجاتی حسینی (۱۳۸۶). «**منطق روشی در فلسفه سیاسی سقراط تاریخی: لوگوی گفتگویی و پروبلماتیک تردید. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**». فصلنامه دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی. شماره ۹، بهار. صص ۱۷۳-۱۵۵.
۲۰. در مورد «منطق گفتگویی هابرماسی» ر. ک؛
- * منوچهری، عباس و سید محمود نجاتی حسینی. (۱۳۸۵). **درآمدی بر شهروندی گفتگویی هابرماسی**. نامه علوم اجتماعی (فصلنامه دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی). شماره ۲۹. زمستان. صص ۱-۲۹ [مقاله برگرفته از رساله دکترای فلسفه سیاسی نگارنده در گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس سال ۱۳۸۴، به راهنمایی دکتر عباس منوچهری و مشاوره دکتر حاتم قادری و دکتر حسین بشیریه].
۲۱. برای نمونه‌ای از طرز توجه به علم‌شناسی فلسفی در نزد دو شارح مهم در فلسفه سنتی اسلامی معاصر و متأخر که مباحث علم‌شناسی فلسفی در نزد آنان غایب است ر. ک؛
- * نصری، عبدالله. (۱۳۷۹). **نظریه شناخت در فلسفه اسلامی: تقریرات استاد دکتر مهدی حائری یزدی**. مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- * مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). **کلیات علوم اسلامی: منطق، فلسفه**. تهران: صدرا.
۲۲. برای یک نمونه ارزنده از شناخت‌شناسی فلسفی فیلسوفان مدرن کلاسیک متقدم و متأخر و معاصر ر. ک؛

- * سجویک، پیترو. (۱۳۸۸). **مروری بر فلسفه اروپایی: از دکارت تا دریدا**. مترجم: محمدرضا آخوندزاده. تهران: نی.
- * هاملین، دیوید و. (۱۳۷۴). **تاریخ معرفت‌شناسی**. مترجم: شاپور اعتماد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۳. ر. ک؛ فعالی، محمد تقی. (۱۳۹۴). **معرفت‌شناسی در قرآن**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۴. ر. ک؛ سامی‌النشار، علی. (۱۹۸۴م/۱۴۰۴ ق). **مناهج البحث عند مفکری الاسلام واكتشاف المنهج العلمی فی العالم الاسلامی**. بیروت: دارالنهضة العربیة.
۲۵. ر. ک؛ بکار، عثمان. (۱۳۸۹). **طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان**. با مقدمه سیدحسین نصر و جواد قاسمی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۶. ر. ک؛ ایمان، محمدتقی و احمد کلاته ساداتی. (۱۳۹۲). **روشن‌شناسی علوم انسانی در نزد اندیشمندان مسلمان**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۷. برای آگاهی از روش فرضی استنتاجی و منطق استدلال به قصد بهترین تبیین و ملاحظات علم‌شناسی فلسفی مترتب بر «منطق استقرا و قیاس» ر. ک؛
- * همپل، کارل. (۱۳۶۹). **فلسفه علوم طبیعی**. مترجم: حسین معصومی همدانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- * سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۲). **علم‌شناسی فلسفی: گفتارهایی در فلسفه علوم تجربی (انتخاب و ترجمه)**. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- * آلن. ف. چالمرز (۱۳۷۴). **چیستی علم: در آمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی**. مترجم: سعید زیباکلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. برای آگاهی از «منطق استدلال» به قصد بهترین تبیین ر. ک؛
- * اوکاشا، سمیرا. (۱۳۸۷). **فلسفه علم**. هومن پناهنده. تهران: فرهنگ معاصر.

منابع و مأخذ

- احمد، منیرالدین. (۱۳۸۴). *نهاد آموزش اسلامی*. محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.
- اوکاشا، سمیر. (۱۳۸۷). *فلسفه علم*. هومن پناهنده. تهران: فرهنگ معاصر.
- ایمان، محمدتقی و کلاته ساداتی، احمد. (۱۳۹۲). *روش‌شناسی علوم انسانی در نزد اندیشمندان مسلمان*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برونوفسکی، ج و مازلیش، ب (۱۳۹۳). *سنت روشن فکری در غرب*: از لئوناردو تا هگل. لایلا سازگار. تهران: آگاه.
- بژه، دیوید. ام. (۱۳۸۸). *تحلیل روایت و پیش‌روایت: روش‌های روایی در تحقیقات اجتماعی*. حسن محدثی گیلوایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).
- بکار، عثمان. (۱۳۸۹). *طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان. با مقدمه سیدحسین نصر*. جواد قاسمی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پالمر، ریچارد. ال. (۱۳۸۹). *علم هرمنوتیک*. محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: هرمس.
- پریموزیک، دنیل تامس. (۱۳۸۷). *هرمنوتی، فلسفه و معنا*. محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: نشر مرکز.
- ترخان، قاسم. (۱۳۹۶). «*فطرت و فطریات از نگاه علامه طباطبائی و برآیند آن در علوم انسانی*». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. شماره پیاپی ۷۰، سال ۲۱، شماره ۱، بهار، صص ۱۰۴-۸۱.
- جعفری، فاطمه. (۱۳۹۴). «*تأثیر مبانی انسان‌شناسی اسلامی علامه طباطبائی و علامه مصباح بر علوم انسانی*». فصلنامه علمی-تخصصی فرهنگ و پژوهش. شماره ۲۰ و ۲۱. زمستان ۹۳ و بهار ۹۴. ویژه فلسفه و کلام. صص ۹۴-۷۵.

- چالمرز، آلن. ف. (۱۳۷۴). **چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی**. مترجم: سعید زیبا کلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- چایلدز، پیت. (۱۳۸۶). **مدرنیسم**. رضا رضایی. تهران: ماهی.
- چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۸). **آموزش عالی در گستره تاریخ و تمدن اسلامی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری).
- حسنی، سید حمیدرضا و موسوی، هادی. (۱۳۹۵). «**نظریه اعتباریات به مثابه فرانظریه اجتماعی نزد علامه طباطبائی و محقق عراقی**». فصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسلامی. سال سوم، شماره دوم، صص ۱۰۱-۱۳۵.
- حسین‌نیا، محسن (بی‌تا). **جایگاه نظریه ادراکات اعتباری در علوم اسلامی با نگاه به آثار علامه طباطبائی**. قابل دسترسی در (www.tebyan.net).
- دورتیه، ژان فرانسوا. (۱۳۹۰). **علوم انسانی: گستره شناخت‌ها**. مترجمان: مرتضی کتبی و همکاران. تهران: نی.
- رحیمی خوزوقی، احسان و سپهری، مهدی. (۱۳۹۷). «**تبیین هستی و چیستی آنان از منظر اندیشه‌های علامه طباطبائی**». دو فصلنامه علمی-پژوهشی حکمت صدرایی. سال ۶. شماره ۲. بهار و تابستان. صص ۸۷-۱۰۵.
- زیتلینگ، ایروینگ ام و همکاران. (۱۳۸۹). **آینده بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی. غلام عباس توسلی و همکاران**. تهران: قومس.
- ژيرو، کلود. (۱۳۸۴). **تاریخ جامعه‌شناسی**. گیتی خرسند. تهران: مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- ساکالوفسکی، رابرت. (۱۳۸۸). **درآمدی بر پدیدارشناسی**. مترجم: محمدرضا قربانی. تهران: گام نو.
- سجویک، پیت. (۱۳۸۸). **مروری بر فلسفه اروپایی: از دکارت تا دریدا**. مترجم: محمدرضا آخوندزاده. تهران: نی.

- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۹). *درس‌هایی در فلسفه علم الاجتماع*. تهران: نی.
- _____ . (۱۳۷۲). *علم‌شناسی فلسفی: گفتارهایی در فلسفه علوم تجربی (انتخاب و ترجمه)*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- شلبی، احمد. (۱۳۸۷). *تاریخ آموزش در اسلام*. محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۸۷). *اصول فلسفه رئالیسم*. به کوشش سیدهادی خسروشاهی. بوستان کتاب (کتاب‌های علامه طباطبائی / ۱۲).
- علیزاده، بیوک. (۱۳۸۵). «*علامه طباطبائی فیلسوفی نوصدرایی*». فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع). شماره ۲۹. صص ۳۸-۲۳.
- غنیمه، عبدالرحیم. (۱۳۸۸). *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*. مترجم: نورالله کسایی. تهران: دانشگاه تهران.
- فروند، ژولین. (۱۳۷۲). *نظریه‌های مربوط به علوم انسانی*. محمدعلی کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فعالی، محمدتقی. (۱۳۹۴). *معرفت‌شناسی در قرآن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کالنیکیوس، آکس. (۱۳۸۳). *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی*. اکبر معصومیگی. تهران: آگه.
- کچوییان، حسین و کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۹۰). «*علوم اجتماعی قاعده مدار است یا قانون‌مدار؟ بازخوانی آرای علامه سیدمحمدحسین طباطبائی*». دو فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان. سال ۱، شماره ۱. پاییز و زمستان. ۲۷-۱.
- کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۸۶). *معنا و عقلانیت در آرای علامه طباطبائی و پیتر وینچ*. قم: کتاب طه.

- کوربن، هانری. (۱۳۸۷). **تاریخ فلسفه اسلامی (متن کامل)**. سید جواد طباطبایی. تهران: کویر.
- گروندن، ژان. (۱۳۹۵). **هرمنوتیک**. محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: ماهی.
- لالمان، میشل. (۱۳۹۴). **تاریخ اندیشه‌های جامعه‌شناسی: از پارسونز تا اندیشمندان معاصر**. مترجم: عبدالحسین نیک گهر. (ج ۱ و ۲). تهران: هرمس.
- لوفان بومر، فرانکلین. (۱۳۹۷). **جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی: گزیده آثار بزرگ در تاریخ اندیشه غربی از سده‌های میانه تا امروز**. مترجم: حسین بشیریه. تهران: چاپخش.
- لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۹۴). **پدیده‌شناسی**. مترجم: عبدالکریم رشیدیان. تهران: نی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). **کلیات علوم اسلامی: منطق، فلسفه**. تهران: صدرا.
- منوچهری، عباس و نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۵). **«درآمدی بر شهروندی گفتگویی هابرماسی»**. نامه علوم اجتماعی (فصلنامه دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی). شماره ۲۹. زمستان. صص ۲۹-۱.
- میرنصیری، سید روح‌الله و ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). **«اعتباریات و علوم انسانی از منظر علامه طباطبایی»**. قیسات. سال ۲۲. تابستان ۱۳۹۶. صص ۲۸-۵.
- نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۶). **«منطق روشی در فلسفه سیاسی سقراط تاریخی: لوگوی گفتگویی و پروپلماتیک تردید»**. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. شماره ۹، بهار. صص ۱۷۳-۱۵۵. (فصلنامه دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی).
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۱). **علم و تمدن در اسلام**. مترجم: احمد آرام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصری، عبدالله. (۱۳۷۹). **نظریه شناخت در فلسفه اسلامی: تقریرات استاد دکتر مهدی حائری یزدی**. مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- نوروزی، رضاعلی و عابدی، منیره. (۱۳۹۱). «انواع علم از منظر علامه طباطبائی و پیامدهای آن در قلمروی اهداف و محتوای برنامه‌های درسی». دو فصلنامه تربیت اسلامی. سال ۷. شماره ۱۴. بهار و تابستان، صص ۱۶۵-۱۸.
- نیچه، فردریش و دیگران. (۱۳۷۷). *هرمنوتیک مدرن-گزینه جستارها*. مترجمان: بابک احمدی، مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: مرکز.
- نیکویان، آرزو و دیگران. (۱۳۹۶). *نظریه معنا، مطالعه تطبیقی پیرس و علامه طباطبائی. دو فصلنامه علمی- پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی*. سال ۹. شماره ۱۸. پاییز و زمستان. صص ۵۱-۲۹.
- هاملین، دیوید. (۱۳۷۴). *تاریخ معرفت‌شناسی*. مترجم: شاپور اعتماد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- همپل، کارل. (۱۳۶۹). *فلسفه علوم طبیعی*. حسین معصومی همدانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- همیلتون، پیترو. (۱۳۸۶). *روشنگری و تکوین علم اجتماعی مدرن*. محمد نبوی. تهران: آگه.
- هوسرل، ادموند. (۱۳۸۶). *ایده پدیدشناسی*. عبدالکریم رشیدیان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ . (۱۳۸۶). *تأملات دکارتی*. عبدالکریم رشیدیان. تهران: نی.
- هوی، دیوید کوزنز. (۱۳۸۵). *حلقه انتقادی-هرمنوتیک، تاریخ، ادبیات و فلسفه*. مترجم: مراد فرهادپور. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- هیوز، هنری استوارت. (۱۳۸۶). *هجرت اندیشه اجتماعی: ۱۹۳۰-۱۹۶۵*. مترجم: عزت‌الله فولادوند. (ج ۳). تهران: طرح نو.
- _____ . (۱۳۸۶). *آگاهی و جامعه: جهت‌گیری نو در اندیشه اجتماعی اروپایی سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۰*. مترجم: عزت‌الله فولادوند. (ج ۱). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- (۱۳۸۶). *راه فروبسته: اندیشه اجتماعی در فرانسه در سال‌های درماندگی از ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰*. مترجم: عزت‌الله فولادوند. (ج ۲). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سامی، النشار علی. (۱۹۸۴م/۱۴۰۴ق.). *مناهج البحث عند مفکری الاسلام واکتشاف المنهج العلمی فی العالم الاسلامی*. دارالنهضة العربی: بیروت لبنان.
- Becker, Howard and Barrens, Harry Elmer - with the assistance of Emile Benoit-Smullyn and Others, in three volumes, with and introductory notes by Merel Curti (1938) *SOCIAL THOUGHT FROM LOR TO SCIENCE*: a history and interpretation of men's ideas about life with his fellows to times when change and progress deeply concern him, Dover Publication Inc., New York. USA.
- Delanty, Gerard & Strydom, Piet (Eds) (2003) *philosophies of social science: the classical and contemporary reading* Open University press, USA.
- Gordon, Scott (1995) *the history and philosophy of social science*, Routledge, UK.
- Mc Erlean, Jenifer (2000) *philosophies of science: from foundations to contemporary issues*, Wadsworth, USA